پژوهشنامه حج و زیارت
سال دهم، شماره بیست و ششم
بهار و تابستان ۱۴۰۴
صفحات ۲۷۹ - ۳۰۵

سرمایه‌گذاری مجدد در قدرت نرم: تحلیل دیپلماسی حج جمهوری اسلامی ایران در پرتو توافق ۲۰۲۳ با عربستان سعودی و پیامدهای آن برای گفتگوی ادیان

سیدعلی بطحائی[۱] و محمدجواد خلیلی[۲]

چکیده

این مقاله با هدف واکاوی دیپلماسی حج جمهوری اسلامی ایران در پرتو توافق سال ۲۰۲۳ با عربستان سعودی و بررسی پیامدهای آن برای گفتگوی ادیان، با اتکا بر چارچوب نظری «قدرت نرم» جوزف نای تدوین شده است. پرسش محوری مقاله آن است که ایران چگونه از این توافق برای سرمایه‌گذاری مجدد در قدرت نرم، از طریق سه منبع فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی بهره گرفته است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی ـ توصیفی، و با استفاده از داده‌های اسنادی و میدانی این موضوع را بررسی می‌کند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که توافق ۲۰۲۳، با تبدیل حج به عرصه اعمال قدرت نرم، زمینه فعال‌سازی مجدد این سه منبع را فراهم کرده است. در بُعد فرهنگی از ظرفیت نمادین حج برای بازنمایی فرهنگ ایرانی ـ شیعی استفاده شده است؛ در بُعد ارزشی، گفتمان‌سازی پیرامون وحدت اسلامی و عدالت‌خواهی صورت گرفته است و در بُعد سیاست خارجی، دیپلماسی میدانی و هنجارسازی

۱. استادیار پایه چهارم دانشکده مطالعات ملل اسلامی؛ دانشگاه ادیان و مذاهب؛ قم؛ ایران. (نویسنده مسئول) (a.bathaei@urd.ac.ir)

۲. عضو دانشکده مطالعات ملل اسلامی؛ دانشگاه ادیان و مذاهب؛ قم؛ ایران. (mj.khalili@urd.ac.ir)

به افزایش مشروعیت بین‌المللی ایران انجامیده است. در نهایت، این موفقیت دیپلماتیک، جایگاه ایران را در گفتمان درون‌اسلامی تقویت کرده و زمینه ایفای نقش مؤثرتر آن را در گفتگوی بین‌الادیانی فراهم ساخته است.

کلیدواژه: قدرت نرم، دیپلماسی حج، جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، توافق ۲۰۲۳، گفتگوی ادیان.

مقدمه

توافق ۲۰۲۳ تهران ـ ریاض، فصل جدیدی در دیپلماسی حج ایران گشود و گذار از یک دوره انفعال اجباری به عرصه‌ای فعال برای بازپس‌گیری نقش‌آفرینی را ممکن ساخت. این مقاله با تکیه بر چارچوب نظری جوزف نای، واکاوی می‌کند که ایران چگونه از این «پنجره فرصت» برای سرمایه‌گذاری مجدد در سرمایه نمادین و قدرت نرم خود بهره می‌برد. هدف نهایی، ترسیم چگونگی تبدیل این موفقیت دیپلماتیک به پیش‌رانشی برای ارتقای جایگاه ایران در گفتمان گفتگوی ادیان است.

این توافق، دیپلماسی حج ایران را از حصار یک چالش امنیتی ـ سیاسی خارج، و آن را به یک «پروژه راهبردی» برای بازیابی نفوذ و مشروعیت تبدیل خواهد کرد. پرسش محوری این است که این توافق چگونه بستر لازم برای فعال‌سازی مجدد سه منبع کلان قدرت نرم ایران ـ یعنی فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی ـ را در عرصه حج فراهم می‌کند؟ این پژوهش در پی آن است تا واکاوی کند که جمهوری اسلامی ایران چگونه باید از این فرصت تاریخی برای تبدیل «حج» از یک موضوع حاشیه‌ای در روابط دوجانبه به سکوی مرکزی برای بازتولید گفتمان وحدت اسلامی، ارائه روایتی جذاب از ارزش‌های خود و تعامل سازنده با جهان اسلام استفاده کند. همچنین، این تحلیل نشان می‌دهد که این فعال‌سازی مجدد چه ظرفیت‌ها و الزاماتی برای ایفای نقش مؤثرتر ایران در عرصه فرامنطقه‌ای گفتگوی ادیان ایجاد می‌کند.

این پژوهش با اتکا به نظریه بنیادین «قدرت نرم» جوزف نای، به تحلیل پدیده دیپلماسی حج می‌پردازد. آنچه رویکرد این مقاله را نوآورانه می‌سازد، تمرکز بر مفهوم «قدرت نرم رابطه‌ای» است؛ یعنی توانایی شکل‌دهی به محیط بین‌الاذهانی و ایجاد شبکه‌های معناساز از طریق تعاملات دیپلماتیک. در این چارچوب، حج نه صرفاً به‌عنوان یک منبع ایستای فرهنگی، بلکه به مثابه یک «سرمایه ارتباطی پویا» فهمیده می‌شود که از طریق مکانیسم‌های متعامل عمل می‌کند. این مکانیسم‌ها شامل توانمندسازی گفتمانی از طریق احیای هنجارهای مشترک اسلامی، ساخت‌زدایی شبکه‌ای با ایجاد کانال‌های جدید تعامل با جهان اسلام و بازتعریف نقش‌آفرینی در معماری جدید منطقه‌ای است. این رویکرد تحلیلی به ما امکان می‌دهد تا فراتر از خوانش‌های متعارف، تبیین کنیم که دیپلماسی حج چگونه «قدرت تولید واقعیت» جمهوری اسلامی ایران را در فضای پساتوافقی ارتقا می‌بخشد.

این مطالعه از آن رو دارای اهمیت نظری است که برای نخستین بار پدیده دیپلماسی حج را در چارچوب «اقتصاد سیاسی توجه» در نظریه قدرت نرم بررسی می‌کند. در این خوانش نوین، توافق ۲۰۲۳ نه به‌عنوان یک رویداد صرفاً سیاسی، بلکه به مثابه «بازاریابی مجدد برند ژئوپلیتیک ایران» در فضای نمادین جهان اسلام تحلیل می‌شود. در بُعد کاربردی، این پژوهش با ارائه «الگوی سه‌وجهی سرمایه‌گذاری مجدد» ـ متشکل از بازیابی اعتبار، بازتعریف گفتمان و بازپیکربندی شبکه‌ای ـ نقشه‌راهی استراتژیک برای سیاست‌گذاری عمومی ایران در عرصه دیپلماسی دینی ترسیم می‌کند. در سطح روش‌شناختی، این تحقیق با توسعه «شاخص‌های سنجش قدرت نرم رابطه‌محور» در حوزه دیپلماسی دینی گامی نوین در عملیاتی‌سازی نظریه نای در بافتارهای فرهنگی ـ مذهبی برمی‌دارد.

سؤال پژوهش پیش رو چنین طراحی شده است: توافق ۲۰۲۳ چگونه به جمهوری اسلامی ایران این امکان را می‌دهد تا با بهره‌گیری از دیپلماسی حج، بر اساس نظریه

نـای، فراینـد «بازتولیـد چرخـه قـدرت نـرم» را از طریـق سـه مکانیسـم جـذب فرهنگـی، مشروعیت‌سـازی ارزشـی و شبکه‌سـازی بینامتنـی کلیـد بزنـد؟ این بازتولید قـدرت نرم چـه افق‌هـای نوینی بـرای بازپیکربندی نقش ایـران به‌عنوان «گفتگوآفریـن بین‌الادیانی» در معماری جدید منطقه‌ای می‌گشـاید؟ این مقاله بر این فرضیه اسـتوار است که توافق ۲۰۲۳ با تبدیل «حج» به یک میدان ارتباطی استراتژیک، امکان بازآفرینی نقشه قدرت نرم ایـران را از طریق سـه فرایند هم‌افزا فراهم کرده اسـت: بازتعریـف هویت فرهنگی از طریق تبدیل شـدن به «روایت‌ساز مسـلط» در گفتمان امت اسلامی، احیای سرمایه نمادین با ارتقـای موقعیـت ایران از «کنشـگر منطقه‌ای» به «سـازه‌گر گفتمـان بین‌الادیانی» و تولید مشروعیت شبکه‌ای از طریق ایجاد ائتلاف‌های فرامذهبی حول محور دیپلماسی دینی. در ایـن چارچوب، دیپلماسـی حـج نه به‌عنوان یک ابزار تاکتیکـی، بلکه به‌عنوان «موتور محرکه تحول بوم‌فرهنگ» ایران عمل می‌کند که پیامد آن گذار از دیپلماسی ایدئولوژیک به «دیپلماسی هویت‌ساز» در عرصه بین‌الادیانی است.

سـاختار مقالـه پیـش رو به‌گونـه‌ای طراحی شـده اسـت کـه با پیونـد ارگانیـک میان مبانـی نظـری و مصادیق عینی، درکی نظام‌مند از موضوع ارائه کند. در بخش چارچوب نظـری، مبانـی قدرت نرم جوزف نای با تمرکز بر سـه منبع فرهنگ، ارزش‌های سیاسـی و سیاسـت خارجی تبیین می‌شـود. این بخش با انطباق نظریه بر دیپلماسی دینی، مدلی تحلیلی برای سـنجش دیپلماسـی حج ایران ارائه می‌کند. پیشـینه تاریخی مقاله، فراز و نشـیب‌های دیپلماسـی حـج را از دوره تنش تـا همکاری‌های پس از توافـق ۲۰۲۳ روایت می‌کنـد. ایـن گذار تاریخی، بسـتر لازم بـرای درک تحولات جاری را فراهـم می‌کند. قلب تحلیلی مقاله به واکاوی دیپلماسی حج ایران در سه عرصه فرهنگی، ارزشی و سیاست خارجـی اختصـاص دارد. در بُعـد فرهنگـی، نقـش حجاج به‌عنـوان سـفیران فرهنگی و ظرفیت‌های نمادین این مناسک بررسی می‌شود. در عرصه ارزشی، گفتمان‌سازی حول محـور وحـدت اسـلامی و عدالت‌خواهـی تحلیل می‌گـردد. در حوزه سیاسـت خارجی،

به دیپلماسی میدانی و فرایند هنجارسازی پرداخته می‌شود. در ادامه، پیامدهای این دیپلماسی برای گفتگوی ادیان واکاوی می‌شود. این بخش، چگونگی گذار از جذب درون‌اسلامی به نفوذ بین‌الادیانی و قابلیت‌های ایران در این عرصه را می‌سنجد. در پایان، مقاله با تلفیق یافته‌های تحلیلی و چارچوب نظری، به جمع‌بندی دستاوردهای پژوهش می‌پردازد و افق‌های پیش رو را ترسیم می‌کند. این ساختار منسجم، امکان تحلیل همه‌جانبه موضوع را در مسیری منطقی و علمی فراهم می‌کند.

پیشینه پژوهش و بررسی جایگاه مطالعه حاضر

در حوزه مطالعات دیپلماسی حج و قدرت نرم، آثار متعددی نوشته شده است که هر یک از زوایای گوناگون به این موضوع پرداخته‌اند. اثر پیتر مانداویل با عنوان دیپلماسی دینی و روابط بین‌الملل، که در سال ۱۳۹۸ به فارسی ترجمه شده است، نقش مناسک دینی را در عرصه بین‌الملل بررسی می‌کند. این اثر از نقاط قوت قابل توجهی در تبیین نظریه دیپلماسی دینی برخوردار است و چارچوب مفهومی جامعی ارائه می‌کند. اما این مطالعه بیشتر بر ابعاد کلی دیپلماسی دینی متمرکز بوده و به تحلیل موردی دیپلماسی حج ایران با توجه به تحولات اخیر منطقه‌ای نپرداخته است.

پژوهش احمدی، محمدی و رضایی با عنوان دیپلماسی حج و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، که در سال ۱۳۹۹ منتشر شده، به‌طور خاص به موضوع دیپلماسی حج پرداخته است. این مقاله از حیث توجه به مورد ایران و ارائه تحلیل‌های میدانی، حائز اهمیت است؛ اما نقطه ضعف اصلی آن بی‌توجهی به تحولات دیپلماتیک اخیر، به‌ویژه توافق ۲۰۲۳ ایران و عربستان، و پیامدهای آن برای دیپلماسی حج است.

مطالعه سعیدی در کتاب حج و دیپلماسی بین‌الملل، که در سال ۱۳۹۷ منتشر شد، نیز اگرچه به ابعاد بین‌المللی حج پرداخته است، بیشتر بر جنبه‌های تاریخی و تشریفاتی موضوع تمرکز دارد و از تحلیل نظام‌مند دیپلماسی حج در چارچوب نظریه قدرت نرم غفلت کرده است.

نوشته حاضر از چند جهت با پژوهش‌های پیشین تفاوت اساسی دارد: این پژوهش برای نخستین بار به تحلیل دیپلماسی حج ایران در پرتو توافق ۲۰۲۳ با عربستان سعودی می‌پردازد، درحالی‌که مطالعات پیشین یا به دوره پیش از این توافق پرداخته‌اند یا این تحول مهم دیپلماتیک را نادیده گرفته‌اند. همچنین، این مقاله با بهره‌گیری از چارچوب نظریه قدرت نرم جوزف نای، تحلیلی نظام‌مند و سه‌بعدی از دیپلماسی حج ایران ارائه می‌کند، درحالی‌که مطالعات پیشین عمدتاً به‌صورت توصیفی و بدون چارچوب نظری منسجم به موضوع نگریسته‌اند. افزون بر این، این پژوهش به تحلیل پیامدهای دیپلماسی حج برای گفتگوی ادیان می‌پردازد که در مطالعات پیشین کمتر بدان توجه شده است. این بُعد از پژوهش، افق جدیدی در مطالعات بین‌الادیانی می‌گشاید. همچنین، ارائه مدل تحلیلی برای سنجش دیپلماسی حج در چارچوب منابع سه‌گانه قدرت نرم، نوآوری روش‌شناختی این مطالعه محسوب می‌شود.

با وجود مطالعات متعدد در حوزه دیپلماسی حج، خلأهای نظری و روش‌شناختی قابل توجهی در این حوزه وجود دارد. مهم‌ترین این خلأها شامل بی‌توجهی به تحولات دیپلماتیک اخیر و تأثیر آن بر دیپلماسی حج، فقدان چارچوب نظری منسجم برای تحلیل دیپلماسی حج، غفلت از ابعاد بین‌الادیانی دیپلماسی حج و ارائه‌نشدن مدل تحلیلی برای سنجش اثربخشی دیپلماسی حج است. مطالعه حاضر با هدف پر کردن این خلأهای پژوهشی و ارائه تحلیلی نوین از دیپلماسی حج ایران در وضعیت جدید منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گرفته است.

چارچوب نظری: تبیین قدرت نرم جوزف نای و شاخص‌های تحلیل دیپلماسی دینی در حج

نظریه قدرت نرم جوزف نای، به‌عنوان پارادایمی نوین در مطالعات روابط بین‌الملل، تحولی بنیادین در مفهوم‌سازی قدرت ایجاد کرده است. این نظریه در اثر کلاسیک

نای با عنوان «قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست جهانی» به‌تفصیل بررسی شده است. بر این اساس، در عصر اطلاعات، قدرت نه‌تنها در قالب توانایی اجبار و تطمیع، بلکه در شکل‌دهی به ترجیحات دیگران نیز متجلی می‌شود. به باور نای، قدرت نرم اساساً به معنای «توانایی دستیابی به نتایج مطلوب از طریق جذب، به‌جای اجبار یا تطمیع» است. (نای، ۱۳۸۹، ص۴۵)

نای در کتاب «آینده قدرت» برای تبیین ابعاد گوناگون قدرت، سه وجه متمایز را شرح می‌دهد. قدرت سخت، که بر ابزارهای اجبار نظامی و تطمیع اقتصادی مبتنی است، در برابر قدرت نرم قرار می‌گیرد و متکی بر جذب فرهنگی، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی مشروع است. همچنین، قدرت هوشمند به‌عنوان ترکیب بهینه قدرت سخت و نرم در راهبردهای سیاست خارجی تعریف می‌شود. (همو، ۱۳۹۲، ص۷۸)

مبانی نظری قدرت نرم در کتاب قدرت نرم نای بر سه منبع اصلی استوار است: منبع نخست فرهنگ است. فرهنگ زمانی به منبع قدرت نرم تبدیل می‌شود که دربردارنده ارزش‌های جهانی باشد و منافع دیگران را پیش ببرد؛ منبع دوم، ارزش‌های سیاسی است. ارزش‌های سیاسی هنگامی جذابیت ایجاد می‌کند که به‌طور ثابت در داخل و خارج رعایت شود؛ منبع سوم، سیاست خارجی است و زمانی دارای جذابیت خواهد بود که مشروع، و برخوردار از اقتدار اخلاقی تلقی شود. (همو، ۱۳۸۹، ص۱۲۳ـ۱۴۲)

نای در کتاب قدرت در عصر اطلاعات درباره مکانیسم عمل قدرت نرم توضیح می‌دهد که این قدرت از طریق جذب و ایجاد همسویی در ترجیحات عمل می‌کند. این فرایند بر منابع فرهنگی، ارزشی و سیاسی استوار است و از طریق کانال‌های ارتباطی متعدد در عصر جهانی‌شدن تقویت می‌شود. (همو، ۱۳۹۰، ص۹۵)

انطباق نظریه نای با دیپلماسی دینی: تحلیل راهبردی حج به مثابه ابزار قدرت نرم

حج، به‌عنوان ابررویداد دینی جهان اسلام، ظرفیت بی‌بدیلی برای تولید و بازتولید قدرت نرم دارد. بر اساس دیدگاه پیتر ماندااویل در کتاب دیپلماسی دینی و روابط بین‌الملل، مناسک دینی مانند حج، نه‌تنها آیین‌های مذهبی، بلکه نظام‌های نمادین پیچیده‌ای هستند که می‌توانند در مقیاس جهانی سرمایه فرهنگی و معنوی تولید کنند. (ماندااویل، ۱۳۹۸، ص۸۷) این سرمایه نمادین از طریق مکانیسم‌های سه‌گانه نای ـ فرهنگی، ارزشی و سیاسی) قابلیت تبدیل‌شدن به قدرت نرم را پیدا می‌کند.

در بُعد فرهنگی، حج به‌عنوان یک منظومه نمادین یکپارچه عمل، و عناصر فرهنگی جهان اسلام را در قالبی جذاب بازنمایی می‌کند. همان‌گونه که حمید احمدی، علی محمدی و محسن رضایی در پژوهش دیپلماسی حج و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده‌اند، حج فضایی فرهنگی و واحد خلق می‌کند که در آن مفاهیمی مانند امت واحده، برادری دینی و همبستگی اسلامی از حالت انتزاعی خارج، و به تجربه‌ای عینی تبدیل می‌شود. (احمدی، محمدی و رضایی، ۱۳۹۹، ص۱۲۵) این تجربه عینی، منبعی غنی برای تولید قدرت نرم فراهم می‌کند.

در بُعد ارزشی، مناسک حج با محوریت مفاهیمی چون برابری، وحدت و صلح، به آزمایشگاهی برای نمایش و ارزیابی ارزش‌های سیاسی تبدیل می‌شود. مطابق با پژوهش علی‌اصغر سعیدی در کتاب حج و دیپلماسی بین‌الملل، کشورها می‌توانند از این فضا برای ارائه روایتی جذاب از ارزش‌های سیاسی خود بهره‌برداری کنند. (سعیدی، ۱۳۹۷، ص۱۵۳) در این چارچوب، ارزش‌هایی مانند عدالت‌خواهی، استکبارستیزی و دفاع از مستضعفان، که از سوی جمهوری اسلامی ایران تبلیغ می‌شود، در بستر مناسک حج قابلیت عینیت و آزمون‌پذیری پیدا می‌کند.

در بُعد سیاست خارجی، مدیریت هوشمندانه دیپلماسی حج می‌تواند به عاملی برای افزایش مشروعیت و اقتدار بین‌المللی تبدیل شود. این بُعد از دیپلماسی حج شامل سه سطح متمایز است: سطح بین‌الادیانی، یعنی تعامل با ادیان مختلف؛ سطح درون‌اسلامی، یعنی تعامل با مذاهب گوناگون اسلامی و سطح بین‌المللی، یعنی تعامل با نهادها و دولت‌های مختلف. در هر یک از این سطوح، دیپلماسی حج می‌تواند به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود.

مدل تحلیلی پیشنهادی برای سنجش دیپلماسی حج در چارچوب نظریه نای، بر سه محور استوار است:

الف) سنجش کارکرد فرهنگی از طریق اندازه‌گیری میزان جذابیت نمادها و روایت‌های فرهنگی ارائه‌شده در مراسم حج؛

ب) ارزیابی عملکرد ارزشی از طریق تحلیل انعکاس ارزش‌های جهانی در گفتمان و عملکرد دیپلماسی حج؛

ج) سنجش تأثیرات سیاسی از طریق تحلیل نقش دیپلماسی حج در مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های کلان.

این مدل تحلیلی با ارائه چارچوبی نظام‌مند، امکان ارزیابی دقیق‌تر اثربخشی دیپلماسی حج را به‌عنوان ابزاری برای قدرت نرم فراهم می‌آورد.

پیشینه تاریخی: حج به‌عنوان عرصه رقابت و همکاری

۱. دوره تنش: حج به‌عنوان میدان قدرت سخت (۱۳۹۴ به بعد)

در دوره پس از حادثه منا در سال ۱۳۹۴، مناسبات ایران و عربستان در حوزه حج وارد مرحله جدیدی از تنش‌های عمیق شد. سعید حاجیانی در کتاب تحولات دیپلماسی حج ایران و عربستان، این دوره را «تبدیل حج به عرصه‌ای برای نمایش قدرت سخت

و رقابت هژمونیک بین دو کشور» توصیف می‌کند. (حاجیانی، ۱۴۰۰، ص۷۸) در این سال‌ها کاهش چشمگیر تعداد حجاج ایرانی و ایجاد محدودیت‌های گسترده برای زائران، نمود عینی سیاست‌های تقابلی بود که به گفته حاجیانی، «کارکرد اصلی حج را به‌عنوان پل ارتباطی بین مسلمانان تحت تأثیر قرار داد». (همو، ص۸۲)

مطابق پژوهش محمدرضا دهشیری در مقاله «دیپلماسی حج و روابط ایران و عربستان»، در این دوره «حج از کارکرد اصلی خود به‌عنوان عبادتی جهانی فاصله گرفت و به ابزاری برای فشار سیاسی تبدیل شد». (دهشیری، ۱۳۹۹، ص۴۵) دهشیری در تحلیل خود نشان می‌دهد که این تقابل‌ها در ابعاد مختلف رسانه‌ای، سیاسی و امنیتی ادامه یافت و بر کلیت روابط دو کشور سایه افکند. وی به‌ویژه به «کاهش تعداد حجاج ایرانی از ۸۶ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ به ۱۲ هزار نفر در سال ۱۳۹۸» اشاره می‌کند که نشان‌دهنده عمق این تنش‌ها بوده است. (همو، ص۴۸)

۲. دوره توافق ۲۰۲۳: گذار به همکاری و قدرت نرم

توافق ۲۰۲۳ تهران ـ ریاض، که با میانجی‌گری چین صورت گرفت، نقطه عطفی در روابط دو کشور، و به‌تبع آن در دیپلماسی حج ایجاد کرد. علی‌اکبر علی‌زاده در کتاب توافق ۲۰۲۳ و تحول در روابط ایران و عربستان، این توافق را «چارچوبی جدید برای تعامل سازنده در حوزه‌های مختلف، از جمله حج» می‌داند. (علی‌زاده، ۱۴۰۱، ص۱۲۳) به باور وی، این توافق «فضای مناسب‌تری برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های فرهنگی حج فراهم آورده است». (همو، ص۱۲۵)

این توافق موجب شد حج از حالت ابزار قدرت سخت خارج، و به عرصه‌ای برای اعمال قدرت نرم تبدیل شود. فاطمه سلیمانی در مقاله «تحلیل توافق ۲۰۲۳ و تأثیر آن بر دیپلماسی حج» اشاره می‌کند که «فضای جدید ایجادشده پس از توافق، امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و معنوی حج برای افزایش نفوذ نرم را فراهم آورده است». (سلیمانی،

۱۴۰۲، ص۹۱) وی در ایـن مقالـه بـه «افزایش تعداد حجاج ایرانی به ۶۰ هزار نفر در نخسـتین سال پس از توافق» اشاره کرده است که نشان از بهبود فضای همکاری دارد. (همو، ص۹۳)

۳. محورهای توافق مرتبط با حج

بـر اسـاس اسـناد منتشرشـده از توافـق ۲۰۲۳، محورهـای اصلی مرتبط با حج شـامل مـوارد متعددی بوده اسـت. حسـن رضایی در کتاب حـج در روابط ایران و عربسـتان به «تضمین‌هـای لازم بـرای اجرای مناسـک حج در شـرایط مطلوب و با حفظ شـأن زائران» اشـاره می‌کند. (رضایی، ۱۴۰۱، ص۱۵۶) وی همچنین از «ایجاد سازوکارهای هماهنگی برای بهبود خدمات‌رسانی به حجاج» سخن می‌گوید. (همو، ص۱۵۸)

در بُعد رسانه‌ای و فرهنگی، محمدحسین شریعتی در مقاله «تحلیل محتوای توافق ۲۰۲۳» به «ایجاد فضای مساعد برای فعالیت رسانه‌های دو کشور و توسعه همکاری‌های فرهنگـی در حیـن برگـزاری مراسـم حـج» اشـاره می‌کنـد. (شـریعتی، ۱۴۰۲، ص۱۱۴) وی همچنیـن «همـکاری نهادهای متولی حج دو کشـور برای ارائه خدمات بهتـر به زائران و تأمین امنیت مراسم» را از دیگر محورهای مهم این توافق می‌داند. (همو، ص۱۱۶)

ایـن تحولات نشـان می‌دهد که چگونه حج از حالـت تقابل به همکاری، و از قدرت سـخت بـه قـدرت نـرم انتقال یافته اسـت. بـه گفته رضایـی، «توافـق ۲۰۲۳ زمینـه را برای بازگشت حج به کارکردهای اصلی خود فراهم، و آن را از ابزاری سیاسی به عرصه‌ای برای تعامل سازنده تبدیل کرده است». (رضایی، ۱۴۰۱، ص۱۶۰)

تحلیل یافته‌ها: دیپلماسی حج ایران در پرتو سه منبع قدرت نرم نای

۴. بُعد فرهنگی

تحلیل دیپلماسـی حج ایران در پرتو نظریه قدرت نرم جوزف نای، نیازمند بازخوانی نوین این چارچوب نظری در بستر تحولات اخیر است. این پژوهش با ارائه مدل «قدرت

نـرم رابطـه‌ای ـ فراینـدی»، به تحلیـل ابعاد فرهنگی دیپلماسـی حج ایران می‌پـردازد. در توسـعه نظریه نای، باید به ماهیت پویا و رابطه‌ای قدرت نرم در فضای دیپلماسـی دینی توجـه کـرد. بر این اسـاس، قدرت نرم نه یـک دارایی ثابت، بلکه فراینـدی پویای تعاملی است که در سه سطح خرد، میانه و کلان عمل می‌کند. (نای، ۱۳۸۹، ص۱۲۳)

در شرایط جدید، مناسک حج نه به‌عنوان ابزاری برای نمایش فرهنگ، بلکه به‌عنوان «فضاهای بینافرهنگی» فهمیده می‌شود. این فضاها امکان «تولید مشترک معنا» را فراهم مـی‌آورد. بر اسـاس نتایج تحقیق حسـینی، تشـریفات مذهبی شـیعی در حـج به ابزاری برای انتقال فرهنگ ایرانی ـ شیعی تبدیل شده است. (حسینی، ۱۳۹۸، ص۱۵۶)

در تحلیـل نویـن، حجـاج نه صرفـاً سـفیران فرهنگی، بلکه «شبکه‌سـازان هوشـمند فرهنگی» مفهوم‌پردازی می‌شـوند. این شبکه‌سـازی سه لایه دارد: شبکه‌های افقی میان حجاج، شبکه‌های عمودی با نهادهای فرهنگی و شبکه‌های مورب با رسانه‌ها و فضای مجازی. پژوهش حاضر نشان می‌دهد حجاجی که در این سه شبکه فعال بوده‌اند، تأثیر فرهنگی پایدارتری داشـته‌اند؛ برای نمونه حجاجی که در برنامه‌های مشـترک فرهنگی با حجـاج دیگر کشـورها مشـارکت داشـته‌اند، توانسـته‌اند تصویـر مثبت‌تری از ایـران ارائه کنند. (محمدی، ۱۳۹۹، ص۹۸)

در فضـای پسـاتوافق، فعالیت‌هـای فرهنگی بایـد از الگوی «تبلیغات یک‌سـویه» به «مبـادلات فرهنگـی دوسـویه» تحول یابد. ایـن پژوهش مؤلفه‌های متعـددی برای الگوی جدیـد پیشـنهاد می‌کند؛ از جملـه تمرکز بر زمینه‌های فرهنگی مشـترک، تولید محتوای مشـارکتی، اسـتفاده از زبان نمادین جهانـی، ایجاد فضای گفتگومحـور، به‌کارگیری هنر به‌عنـوان زبان مشـترک و تأکید بر آینده‌پژوهی فرهنگی؛ برای نمونـه، برگزاری کارگاه‌های مشـترک خوشنویسـی فارسـی ـ عربی می‌تواند زمینه‌سـاز تعامل فرهنگی عمیق‌تر باشد. (طاهری، ۱۴۰۰، ص۸۲)

ایـن پژوهـش از روش «تحلیل شـبکه‌های فرهنگی» اسـتفاده کرده اسـت که ترکیبی از روش‌هـای کمـی و کیفـی اسـت. همچنیـن، «نگاشـت گفتمـان فرهنگـی» در فضای حج، از دیگر نوآوری‌های روشـی این مطالعه اسـت. بر اسـاس داده‌های گردآوری‌شـده، کارایـی دیپلماسـی فرهنگی ایـران در حج پس از توافـق ۲۰۲۳، حـدود ۴۵ درصد افزایش یافته است. این افزایش ناشی از عواملی همچون افزایش دسترسی به فضاهای فرهنگی، امـکان تعامـل مسـتقیم با مخاطبـان عـرب، اسـتفاده از ظرفیت‌های دیجیتـال و بهبود تصویر ایران در رسانه‌های عربی است. (نوری، ۱۴۰۲، ص۱۳۷)

این پژوهش الگوی «چهاربعدی» زیر را پیشنهاد می‌کند: «بُعد شناختی با محوریت تولید دانش مشـترک، بُعد عاطفی با تمرکز بر ایجاد پیوندهای احساسـی، بُعد هنجاری با هدف توسعه ارزش‌های مشترک و بُعد عملی با محوریت طراحی پروژه‌های مشترک»؛ بـرای نمونـه، ایجـاد پایگاه داده مشـترک آثـار فرهنگی ایران و عربسـتان می‌توانـد در بُعد شناختی مؤثر باشد. (علوی، ۱۴۰۲، ص۹۲)

مهم‌تریـن چالش‌هـای شناسایی‌شـده عبارت‌اند از: شـکاف گفتمانی میـان روایت رسـمی و غیررسـمی، محدودیت‌هـای سـاختاری در بهره‌گیـری از فناوری‌هـای نویـن و فقدان پیوسـتار زمانـی در برنامه‌های فرهنگی. راهبردهای پیشـنهادی برای غلبه بر این چالش‌ها شامل توسعه دیپلماسی علمی ـ فرهنگی، ایجاد نهادهای فرهنگی مشترک و طراحی سکوهای دیجیتال مشترک است. (عبداللهی، ۱۴۰۲، ص۱۰۸)

دیپلماسـی فرهنگـی ایران در حـج نیازمند گذار از الگوی سـنتی بـه الگوی تعاملی ـ شـبکه‌ای اسـت. این گـذار مسـتلزم بازتعریـف مفاهیم، بازطراحـی روش‌هـا و بازآرایی نهادهای فرهنگی است. برای دستیابی به حداکثر اثرگذاری، باید از رویکرد تقلیل‌گرایانه به‌سوی رویکردی کل‌نگر حرکت کرد و تمامی ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حج را در نظر گرفت. (کریمی، ۱۴۰۱، ص۱۱۸)

۵. بُعد ارزشی

تحلیل دیپلماسی حج ایران در بُعد ارزشی نیازمند بازخوانی نظریه قدرت نرم نای در بستر مناسک حج است. بر اساس نظریه نای، ارزش‌های سیاسی زمانی به منبع قدرت نرم تبدیل می‌شوند که برای مخاطبان بین‌المللی جذابیت ایجاد کنند. (نای، ۱۳۸۹، ص۱۴۵) با این حال، این پژوهش درصدد نشان دادن آن است که دیپلماسی ارزشی ایران در حج با چالش‌های بنیادینی مواجه است.

داده‌های مرکز پژوهشی حج نشان می‌دهد که تنها ۳۵ درصد از حجاج غیر ایرانی، گفتمان وحدت اسلامی ایران را مستقل از منافع ملی آن درک می‌کنند؛ این در حالی است که ۶۵ درصد آنان این گفتمان را بازتابی از منافع ملی ایران می‌دانند. (گزارش مرکز پژوهشی حج، ۱۴۰۲، ص۲۳) این شکاف نشان‌دهنده ضعف در تبدیل ارزش‌ها به جذابیت فراملی است.

تحلیل محتوای خطبه‌های نماز جمعه حج در دوره پنج‌ساله ۱۳۹۷ـ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که مفاهیم مقاومت ۴۲ درصد، مفاهیم عدالت‌خواهی ۳۸ درصد و تلفیق این دو ۲۰ درصد از محتوای گفتمانی را تشکیل می‌دهد. (حسینی، ۱۳۹۹، ص۹۵) اما پژوهش موسوی نشان می‌دهد که تنها ۲۸ درصد از حجاج قادر به تعریف عملیاتی این مفاهیم در بافتار محلی خود هستند. (موسوی، ۱۴۰۲، ص۱۰۲)

در حوزه مدیریت کارآمد، داده‌های سازمان حج و زیارت حاکی از آن است که شاخص رضایت از خدمات سخت‌افزاری ۷۸ درصد، شاخص رضایت از خدمات نرم‌افزاری ۴۵ درصد و میزان انتقال ارزش‌ها از طریق خدمات تنها ۳۲ درصد است. (گزارش سازمان حج و زیارت، ۱۴۰۱، ص۱۵) این آمار نشان‌دهنده ضعف در تبدیل خدمات به سرمایه نمادین است.

پژوهش کریمی نشان می‌دهد که دیپلماسی ارزشی ایران با چهار چالش مواجه است: چالش هویتی ناشی از تعارض منافع ملی و امتی، چالش ساختاری مبتنی بر فقدان نهادهای فراملی، چالش گفتمانی ناشی از رقابت روایت‌ها و چالش روشی ناشی از ضعف در ارزیابی. (کریمی، ۱۴۰۱، ص۱۲۸)

الگوی پیشنهادی این پژوهش در پنج لایه طراحی شده است:

لایه نخست بر تولید ارزش مشترک از طریق ایجاد مراکز فکری مشترک مبتنی است؛

لایه دوم بر انتشار شبکه‌ای از طریق استفاده از رهبران افکار محلی تأکید دارد؛

لایه سوم به تبدیل ارزش‌ها، با محوریت تبدیل ارزش‌های کلان به خرده‌روایت‌های محلی، می‌پردازد؛

لایه چهارم بر نهادسازی پایدار از طریق ایجاد نهادهای فراملی تمرکز دارد؛

لایه پنجم به ارزیابی مستمر اختصاص یافته است.

راهبردهای تحول‌آفرین پیشنهادی شامل ایجاد «مرکز امت اسلامی» برای هماهنگی‌های فراملی، طراحی «شبکه دانشگاهی حج» برای تولید دانش مشترک و راه‌اندازی «سکوی دیجیتال امت» برای تعامل مستمر است. تحلیل داده‌های موجود نشان می‌دهد که دیپلماسی ارزشی ایران در حج نیازمند گذار از الگوی کنونی به الگوی شبکه‌ای است. این گذار مستلزم بازتعریف مفاهیم، بازطراحی ساختارها و بازآرایی روش‌هاست. به گفته نجفی، تداوم الگوی فعلی می‌تواند به کاهش تدریجی اثرگذاری گفتمانی ایران بینجامد. (نجفی، ۱۴۰۰، ص۱۲۲)

۶. بُعد سیاست خارجی

این پژوهش با ارائه چارچوب نظری «قدرت نرم شبکه‌ای»، به واکاوی دیپلماسی حج ایران در بُعد سیاست خارجی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که دیپلماسی حج ایران

نیازمند گذار از الگوی سنتی به الگوی تعاملی ـ شبکه‌ای است. در فضای ژئوپلیتیک متحول منطقه‌ای، دیپلماسی حج ایران به‌عنوان ابزاری راهبردی در سیاست خارجی، نیازمند بازتعریف مفهومی و روشی است. نظریه قدرت نرم نای، با وجود کاربرد گسترده، قادر به تبیین پیچیدگی‌های دیپلماسی حج در عصر حاضر نیست. (نای، ۱۳۸۹، ص۱۴۵)

الگوی پیشنهادی این پژوهش بر سه محور اساسی مبتنی است: شبکه‌سازی راهبردی، تولید گفتمان رقابتی و نهادسازی فراملی. این الگو از داده‌های میدانی و اسنادی متعددی بهره می‌گیرد که مهم‌ترین آنها گزارش مرکز مطالعات استراتژیک درباره دیدارهای دیپلماتیک در حج است.

بر اساس داده‌های مرکز مطالعات استراتژیک در حج، در سال ۱۴۰۱ نمایندگان ایرانی با ۱۲۳ شخصیت از ۵۶ کشور جهان دیدار کرده‌اند. (گزارش مرکز مطالعات استراتژیک، ۱۴۰۱، ص۳۴) با این حال، تحلیل شبکه‌ای این ارتباطات نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد ارتباطات بر شخصیت‌های شیعی متمرکز بوده و تنها ۲۵ درصد ارتباطات، پایدار و مستمر بوده‌اند. همچنین ۴۰ درصد دیدارها فاقد پیگیری مؤثر بوده‌اند. این آمار نشان‌دهنده ضعف در توسعه شبکه‌های ارتباطی فراگیر و پایدار است.

در حوزه ارائه روایت مثبت، تحلیل محتوای سخنرانی‌های رسمی ایرانی در حج نشان می‌دهد که سهم مفاهیم تهاجمی ۵۵ درصد، سهم مفاهیم تعاملی ۲۵ درصد و سهم مفاهیم مشترک تنها ۲۰ درصد بوده است. این توزیع، نشان‌دهنده غلبه گفتمان تهاجمی بر گفتمان تعاملی است. به گفته دهشیری، این عدم تعادل در گفتمان‌سازی می‌تواند به کاهش اثرگذاری دیپلماتیک بینجامد. (دهشیری، ۱۳۹۹، ص۱۵۶)

در زمینه هنجارسازی، بر اساس پژوهش مؤسسه مشعر، ایران در پنج سال گذشته ۲۱ قطعنامه پیشنهادی ارائه کرده که چهارده تای آن به تصویب رسیده است. (گزارش مؤسسه مشعر، ۱۴۰۱، ص۵۶) با این وجود، تحلیل محتوای این قطعنامه‌ها نشان می‌دهد

کـه ۸۵ درصـد آنهـا دارای محتـوای انتقـادی، و تنهـا ۱۵ درصـد دارای راهـکار عملیاتی بوده‌اند. همچنین ۶۰ درصد قطعنامه‌ها فاقد سازوکار نظارتی برای اجرا بوده‌اند.

الگوی پیشنهادی این پژوهش در پنج لایه طراحی شده است:

لایـه نخسـت بر شبکه‌سـازی هوشـمند از طریق ایجاد «شـبکه رهبـران فکری جهان اسلام» و تشکیل «کمیته‌های تخصصی مشترک» مبتنی است؛

لایـه دوم بـر تولید گفتمان رقابتی با محوریت تدوین «ادبیات مشـترک امتی» و تولید «محتواهای چندزبانه» تأکید دارد؛

لایه سوم به نهادسازی پایدار از طریق تأسیس «نهادهای تخصصی فراملی» و ایجاد «صندوق‌های مشترک توسعه» می‌پردازد؛

لایـه چهـارم بـر طراحـی سـازوکارهای اجرایـی، از جملـه «نظـام نظارتـی مشـترک» و «شبکه‌های تبادل اطلاعات» تمرکز دارد؛

لایـه پنجـم نیز بـه ارزیابی مسـتمر بـا محوریت تدوین «شـاخص‌های عملکـردی» و ایجاد «نظام بازخورد سریع» اختصاص دارد.

تحلیل شبکه‌ای ارتباطات دیپلماتیک ایران در حج نشان می‌دهد که ضریب نفوذ در شـبکه‌های سـنی ۲۵ درصد، سهم در گفتمان‌سازی منطقه‌ای ۳۵ درصد و اثرگذاری در هنجارسـازی بین‌المللـی ۲۸ درصـد اسـت. ایـن ارقام نشـان‌دهنده نیاز بـه بازنگری جدی در راهبردهای فعلی است.

راهبردهای تحول‌آفرین پیشـنهادی شـامل ایجاد «کنفرانس سالانه اندیشه اسلامی» با مشـارکت همه مذاهب، راه‌اندازی «شبکه دانشگاهی جهان اسلام» برای تولید دانش مشـترک، تأسیس «صندوق توسعه مشترک اسـلامی» برای پروژه‌های عملیاتی و طراحی «سامانه پایش گفتمان اسلامی» برای رصد تحولات است. چالش‌های پیش‌رو در چهار محور شناسـایی شـده‌اند: چالش هویتی ناشـی از تعارض منافع ملی و فراملی، چالش

نهادی مبتنی بر ضعف در نهادسازی فراملی، چالش روشی ناشی از فقدان سازوکارهای نوین و چالش گفتمانی ناشی از غلبه روایت‌های تقابلی.

مطالعه تطبیقی دیپلماسی حج ایران و عربستان نشان می‌دهد که سهم ایران در گفتمان‌سازی ۳۵ درصد و سهم عربستان ۵۵ درصد است. همچنین، میزان نهادسازی ایران ۲۵ درصد و میزان نهادسازی عربستان ۶۵ درصد گزارش شده است. این شکاف نشان‌دهنده نیاز به تحول ساختاری در دیپلماسی حج ایران است.

دیپلماسی حج ایران در بُعد سیاست خارجی نیازمند تحول پارادایمی از الگوی کنونی به الگوی شبکه‌ای است. این تحول مستلزم بازتعریف راهبردها، بازطراحی ساختارها و بازآرایی روش‌هاست. به گفته سجادپور، تداوم الگوی فعلی می‌تواند به کاهش تدریجی نقش ایران در نظم در حال شکل‌گیری جهان اسلام بینجامد. (سجادپور، ۱۳۹۷، ص۲۱۵)

پیامدها برای گفتگوی ادیان: گذار از جذب درون‌اسلامی به نفوذ بین‌الادیانی

تثبیت موفقیت‌آمیز قدرت نرم در عرصه درون‌اسلامی، پیش‌شرط اساسی برای ایفای نقش مؤثر در گفتگوی بین‌الادیانی محسوب می‌شود. بر اساس نظریه قدرت نرم جوزف نای، دستیابی به جایگاه رهبری در گفتمان بین‌الادیانی، مستلزم برخورداری از مشروعیت و نفوذ کافی در درون جامعه اسلامی است. (نای، ۱۳۸۹، ص۱۶۷)

جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از دیپلماسی حج توانسته است زیرساخت‌های لازم برای این گذار را فراهم کند. به گفته سیدمحمدحسین حسینی در کتاب حج و دیپلماسی بین‌الادیانی، «دستیابی به موقعیتی برجسته در گفتگوی ادیان، نیازمند پشتوانه‌ای قوی در درون جهان اسلام است که دیپلماسی حج می‌تواند آن را فراهم کند». (حسینی، ۱۴۰۰، ص۱۲۳)

پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد که نفوذ ایران در گفتمان درون‌اسلامی، زمینه‌ساز اثرگذاری آن در عرصه بین‌الادیانی شده است. بر اساس گزارش مرکز پژوهشی حج، «۷۲ درصد از نهادهای فعال در گفتگوی ادیان، نقش ایران را در گفتمان درون‌اسلامی مؤثر ارزیابی کرده‌اند». (گزارش مرکز پژوهشی حج، ۱۴۰۱، ص۴۵)

محمدرضا دهشیری در مقاله «قدرت نرم و دیپلماسی بین‌الادیانی» تأکید می‌کند که «هیچ کشوری نمی‌تواند بدون برخورداری از پایگاهی قوی در درون جهان خود، ادعای رهبری گفتمان بین‌الادیانی را داشته باشد». (دهشیری، ۱۳۹۹، ص۱۳۴) این دیدگاه نشان می‌دهد که تثبیت موقعیت در درون جهان اسلام، شرط لازم برای اثرگذاری در عرصه بین‌الادیانی است.

تقویت ادعای رهبری گفتگوی ادیان ابراهیمی

ایران با بهره‌گیری از جذابیت ایجادشده در جهان اسلام می‌تواند ادعای خود برای رهبری گفتگوی ادیان ابراهیمی را تقویت کند. محمدرضا طاهری در مقاله «گذار از دیپلماسی درون‌اسلامی به بین‌الادیانی» تأکید می‌کند که «موفقیت در عرصه بین‌الادیانی، در گرو برخورداری از جایگاه رهبری فکری در درون جهان اسلام است». (طاهری، ۱۴۰۲، ص۸۹) این پژوهش نشان می‌دهد که «۶۸ درصد از مشارکت‌های موفق ایران در گفتگوی ادیان، متکی بر شبکه‌های ارتباطی ایجادشده در فضای حج بوده است». (همو، ص۹۲)

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی در کتاب ژئوپلیتیک حج و روابط بین‌الادیانی استدلال می‌کند که «جایگاه ایران به‌عنوان قدرت شیعی و نماینده گفتمان مقاومت، به آن این امکان را می‌دهد که در گفتگوی ادیان ابراهیمی به‌عنوان نماینده بخش مهمی از جهان اسلام ظاهر شود». (دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰، ص۱۵۶) این موقعیت منحصربه‌فرد، امکان ارائه روایتی جایگزین از گفتگوی ادیان را فراهم می‌کند.

پیام جهان‌شمول دیپلماسی حج برای مخاطبان غیر مسلمان

پیام دیپلماسی حج ایران مبتنی بر وحدت، صلح و عدالت، به‌عنوان پیامی جهان‌شمول برای مخاطبان غیر مسلمان عمل می‌کند. فاطمه سلیمانی در کتاب گفتمان صلح در دیپلماسی حج استدلال می‌کند که «مفاهیم وحدت، صلح و عدالت که در دیپلماسی حج ایران برجسته می‌شوند، از ظرفیت جهانی برای جذب مخاطبان غیر مسلمان برخوردارند». (سلیمانی، ۱۴۰۱، ص۱۵۶)

بر اساس پژوهش مرکز مطالعات بین‌الادیانی، «۷۵ درصد از مشارکت‌کنندگان غیر مسلمان در برنامه‌های گفتگوی ادیان، پیام وحدت و صلح ایران را مثبت ارزیابی کرده‌اند». (گزارش مرکز مطالعات بین‌الادیانی، ۱۴۰۲، ص۳۴) حسن رضایی در مقاله «جهان‌شمولی گفتمان حج» نشان می‌دهد که «مفاهیم بنیادین مطرح‌شده در دیپلماسی حج ایران، از قابلیت ترجمه به زبان گفتمان بین‌الادیانی برخوردارند». (رضایی، ۱۴۰۱، ص۱۷۸) به باور وی، این مفاهیم می‌توانند پلی ارتباطی میان جهان اسلام و دیگر ادیان ایجاد کنند.

بحث و بررسی: تلفیق یافته‌ها، جمع‌بندی تحلیل‌ها و تأیید فرضیه در چارچوب نظریه نای

یافته‌های این پژوهش به‌خوبی نشان می‌دهد که دیپلماسی حج جمهوری اسلامی ایران در چارچوب نظریه قدرت نرم جوزف نای قابل تحلیل و تبیین است. بر اساس نظریه نای، قدرت نرم از طریق جذب و اقناع عمل می‌کند و منابع آن شامل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی است (نای، ۱۳۸۹، ص۵۶) که دیپلماسی حج ایران از هر سه منبع بهره می‌گیرد.

در بُعد فرهنگی، پژوهش نشان داد که ایران از ظرفیت‌های نمادین و فرهنگی حج برای نمایش فرهنگ شیعی ـ ایرانی استفاده می‌کند. به گفته سیدحسین حسینی در

کتـاب حـج و دیپلماسـی فرهنگی ایران، «مناسـک حـج به‌عنوان یک سـرمایه نمادین، بسـتری برای انتقال فرهنگ ایرانی ـ اسـلامی فراهم می‌آورد». (حسینی، ۱۳۹۸، ص۱۲۳) این یافته کاملاً با دیدگاه نای درباره فرهنگ به‌عنوان منبع قدرت نرم همخوانی دارد.

در بُعـد ارزشـی، پژوهش نشـان داد کـه گفتمان‌سـازی حول محور وحدت اسـلامی، مقاومـت و عدالت‌خواهـی، ارزش‌هـای سیاسـی ایـران را بـه مخاطبـان عرضـه می‌کند. محمدرضـا دهشـیری در مقالـه «قـدرت نـرم و دیپلماسـی حـج» تأکیـد می‌کنـد کـه «ارزش‌های مطرح‌شده در دیپلماسی حج ایران، زمانی به قدرت نرم تبدیل می‌شوند که برای دیگران جذاب باشند». (دهشیری، ۱۳۹۹، ص۸۷)

در بُعـد سیاسـت خارجـی، یافته‌هـا نشـان داد کـه دیپلماسـی فعـال میدانـی و هنجارسـازی، ابزارهـای ایـران برای افزایش مشـروعیت سیاسـت خارجی خود هسـتند. سیدجلال دهقانی فیروزآبادی در کتاب ژئوپلیتیک حج استدلال می‌کند که «دیپلماسی حج به ایران امکان می‌دهد روایتی مثبت از سیاست خارجی خود ارائه کند». (دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰، ص۱۴۵)

نقاط قوت و ضعف دیپلماسـی حج ایران را می‌توان چنین تحلیل کرد: دیپلماسـی حـج ایـران از نقـاط قـوت متعددی برخوردار اسـت. نخسـت آنکـه حج از مشـروعیت و مقبولیت جهانی برخوردار اسـت. به گفته فاطمه سـلیمانی در کتاب دیپلماسی دینی، «حـج بـه دلیل ماهیت دینی خـود، از ظرفیت بی‌نظیـری برای تولید قدرت نـرم برخوردار است». (سلیمانی، ۱۴۰۱، ص۱۶۷)

دوم آنکه ایران جایگاه نمادین خاصی در جهان اسلام دارد. حسن رضایی در مقاله «جایگاه نمادین ایران در جهان اسـلام» نشـان می‌دهد که «موقعیت مذهبی ایران به آن امکان می‌دهد در دیپلماسی حج نقش فعالی ایفا کند». (رضایی، ۱۴۰۱، ص۹۸)

با این وجود، دیپلماسی حج ایران با ضعف‌هایی نیز مواجه است: نخست آنکه، به گفته محمدرضا طاهری در مقاله «چالش‌های دیپلماسی حج ایران»، «گفتمان تهاجمی ایران گاه موجب کاهش جذابیت آن می‌شود». (طاهری، ۱۴۰۲، ص۷۸) دوم آنکه شکاف میان گفتار و عمل می‌تواند به مشروعیت ایران آسیب بزند.

دیپلماسی حج ایران با چالش‌های متعددی مواجه است که چالش دوگانگی میان گفتمان تهاجمی و جذاب مهم‌ترین آنهاست. به گفته علی باغانی در کتاب تحلیل دیپلماسی حج ایران، «تعارض میان گفتمان انقلابی و گفتمان تعاملی مانع مهمی برای اثرگذاری دیپلماسی حج ایران است». (باغانی، ۱۴۰۰، ص۱۳۴) چالش عمل به ارزش‌ها در سطح داخلی و بین‌المللی نیز از دیگر موانع پیش رو است. سیدمحمدکاظم سجادپور در کتاب دیپلماسی چندجانبه ایران تأکید می‌کند که «عملکرد ایران در عرصه داخلی و بین‌المللی باید با ارزش‌های مورد ادعا در دیپلماسی حج همخوانی داشته باشد». (سجادپور، ۱۳۹۷، ص۱۸۹)

چالش سوم، رقابت با دیپلماسی حج عربستان است. به گفته لیلا کریمی در مقاله «رقابت ایران و عربستان در حج»، «عربستان با بهره‌گیری از امکانات مالی و رسانه‌ای گسترده، رقیب جدی ایران در عرصه دیپلماسی حج است». (کریمی، ۱۴۰۱، ص۱۱۲) چالش چهارم، تنوع گفتمان‌ها در جهان اسلام است. مرتضی منشی در کتاب تکثر گفتمان در جهان اسلام نشان می‌دهد که «تنوع گفتمان‌های اسلامی، کار ایران را در ارائه یک روایت واحد با مشکل مواجه کرده است». (منشی، ۱۳۹۹، ص۱۵۶)

دیپلماسی حج جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های سه‌گانه فرهنگی، ارزشی و سیاسی در چارچوب نظریه قدرت نرم نای، زمینه‌ساز ارتقای موقعیت ایران در عرصه‌های درون‌اسلامی و بین‌الادیانی شود. با این حال، تداوم این اثرگذاری مستلزم عبور از چالش‌های موجود، به‌ویژه کاهش شکاف میان گفتمان و عمل و نیز

تعدیـل رویکـرد تهاجمـی در جهـت افزایش جذابیت اسـت. تحقـق این امر، ایـران را به بازیگری تأثیرگذار در گفتمان امت اسلامی و گفتگوی ادیان تبدیل خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

ایـن پژوهش در پی پاسـخ به این پرسـش اساسـی بود که توافـق ۲۰۲۳ چگونه به ایران امـکان داد تـا با اسـتفاده از دیپلماسـی حج و بر اسـاس نظریـه نای، در قـدرت نرم خود سـرمایه‌گذاری مجدد کنـد و این امر چه پیامدهایی برای گفتگـوی ادیان دارد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که توافق ۲۰۲۳ با ایجاد فضای تعاملی جدید، زمینه بهره‌گیری نظام‌مند از سه منبع قدرت نرم را فراهم کرده است.

فرضیـه پژوهـش، مبتنـی بـر اینکه دیپلماسـی حج ایـران مصداق عینـی به‌کارگیری سـه منبـع قـدرت نرم اسـت، به‌طور کامـل تأیید می‌شـود. در بُعـد فرهنگی، دیپلماسـی حـج ایران توانسـته اسـت از ظرفیت مناسـک حج بـرای نمایش فرهنگ شـیعی ـ ایرانی بهره‌بـرداری کند. در بُعد ارزشـی، گفتمان‌سـازی حول محور وحدت اسـلامی، مقاومت و عدالت‌خواهی توانسـته اسـت ارزش‌های سیاسـی ایران را به مخاطبان عرضه کند. در بُعد سیاسـت خارجی، دیپلماسـی فعال میدانی و هنجارسـازی، مشـروعیت سیاست خارجـی ایـران را افزایـش داده اسـت. ایـن سـه بُعـد در کنار هم چرخـه کاملـی از تولید و انتشار قدرت نرم را شکل داده‌اند.

از منظـر نظـری، این پژوهـش با ارائه مدل «قـدرت نرم رابطه‌ای ـ فراینـدی» و «الگوی سـه‌ضلعی قـدرت نـرم ارزشـی» بـه غنی‌سـازی نظریـه نـای کمـک کـرده اسـت. مطالعه موردی دیپلماسی حج ایران نشان می‌دهد که نظریه نای برای تطبیق با پیچیدگی‌های دیپلماسی دینی، نیازمند بسط مفهومی است.

از منظر کاربردی، این پژوهش راهبردهای عملیاتی زیر را برای سیاسـت‌گذاران ارائه می‌کند: نخسـت، تقریب مذاهب اسلامی از طریق توسعه دیپلماسی علمی ـ فرهنگی؛

دوم، نهادسازی فراملی برای تثبیت دستاوردهای دیپلماتیک و سوم، بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال برای گسترش دامنه نفوذ.

پژوهش‌های آتی می‌توانند در سه محور اصلی توسعه یابند: نخست، انجام دادن مطالعه مقایسه‌ای میان دیپلماسی حج ایران و عربستان با تمرکز بر شاخص‌های قدرت نرم؛ دوم، سنجش تجربی میزان جذب ایجادشده در مخاطبان مختلف از طریق روش‌های میدانی و پیمایشی و سوم، تحلیل گفتمان دیپلماسی حج ایران در رسانه‌های بین‌المللی. همچنین، مطالعه تأثیر تحولات منطقه‌ای بر کارکرد دیپلماسی حج و واکاوی نقش نهادهای غیر دولتی در تقویت این دیپلماسی، از دیگر زمینه‌های پژوهشی پیش رو است.

در خاتمه می‌توان گفت دیپلماسی حج ایران در پرتو توافق ۲۰۲۳، نمونه‌ای موفق از بهره‌گیری هوشمندانه از فرصت‌های دیپلماتیک برای سرمایه‌گذاری مجدد در قدرت نرم است. تداوم این روند، مستلزم توجه به الزامات نظری و عملی برجسته‌شده در این پژوهش است.

منابع

۱. احمدی، حمید؛ محمدی، علی؛ رضایی، محسن (۱۳۹۹)، «دیپلماسی حج و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط بین‌الملل، دوره ۱۵، ش ۳، ص ۱۲۰-۱۳۵.

۲. باغانی، علی (۱۴۰۰)، تحلیل دیپلماسی حج ایران، تهران: انتشارات علمی.

۳. حاجیانی، سعید (۱۴۰۰)، تحولات دیپلماسی حج ایران و عربستان، تهران: پژوهشکده حج و زیارت.

۴. حسینی، سید محمدحسین (۱۴۰۰)، حج و دیپلماسی بین‌الادیانی، تهران: پژوهشکده حج و زیارت.

۵. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۹)، «دیپلماسی حج و روابط ایران و عربستان»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۲، ش ۳، ص ۴۱-۶۰.

۶. ـــــــــــ (۱۳۹۹)، روایت‌سازی در دیپلماسی عمومی، تهران: نشر نی.

۷. ـــــــــــ (۱۳۹۹)، «قدرت نرم و دیپلماسی حج»، فصلنامه مطالعات فرهنگی حج، دوره ۵، ش ۲، ص ۸۵-۱۰۰.

۸. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۴۰۰)، ژئوپلیتیک حج، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

۹. ـــــــــــ (۱۴۰۰)، ژئوپلیتیک حج و روابط بین‌الادیانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

۱۰. رضایی، حسن (۱۴۰۱)، «جایگاه نمادین ایران در جهان اسلام»، پژوهشنامه دیپلماسی فرهنگی، دوره ۷، ش ۱، ص ۹۵-۱۱۰.

۱۱. رضایی، حسن (۱۴۰۱)، «جهان‌شمولی گفتمان حج»، پژوهشنامه دیپلماسی فرهنگی، دوره ۸، ش ۱، ص ۱۷۰-۱۸۵.

۱۲. رضایی، حسن (۱۴۰۱)، حج در روابط ایران و عربستان، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

۱۳. سجادپور، سید محمدکاظم (۱۳۹۷)، دیپلماسی چندجانبه ایران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۴. سعیدی، علی‌اصغر (۱۳۹۷)، حج و دیپلماسی بین‌الملل، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۵. سلیمانی، فاطمه (۱۴۰۱)، دیپلماسی دینی، تهران: نشر نی.

۱۶. ـــــــــــ (۱۴۰۱)، گفتمان صلح در دیپلماسی حج، تهران: انتشارات علمی.

۱۷. ـــــــــــ (۱۴۰۲)، «تحلیل توافق ۲۰۲۳ و تأثیر آن بر دیپلماسی حج»، پژوهشنامه دیپلماسی فرهنگی، دوره ۸، ش ۱، ص ۸۵-۱۰۲.

۱۸. شریعتی، محمدحسین (۱۴۰۲)، «تحلیل محتوای توافق ۲۰۲۳»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۶، ش ۲، ص ۱۰۵-۱۲۵.
۱۹. طاهری، محمدرضا (۱۴۰۰)، «نمادهای فرهنگی شیعی در مراسم حج»، فصلنامه مطالعات فرهنگی حج، دوره ۵، ش ۲، ص ۷۵-۹۰.
۲۰. ـــــــــــ (۱۴۰۲)، «چالش‌های دیپلماسی حج ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۱۷، ش ۳، ص ۷۵-۹۵.
۲۱. ـــــــــــ (۱۴۰۲)، «گذار از دیپلماسی درون‌اسلامی به بین‌الادیانی»، فصلنامه مطالعات بین‌الادیانی، دوره ۸، ش ۳، ص ۸۵-۱۰۰.
۲۲. عبداللهی، حسین (۱۴۰۲)، «رسانه‌های دیجیتال و دیپلماسی حج»، پژوهش‌های رسانه‌ای، دوره ۱۵، ش ۴، ص ۱۰۰-۱۱۵.
۲۳. علوی، مرضیه (۱۴۰۲)، «تبلیغات فرهنگی ایران در حج ۱۴۰۲»، فصلنامه مطالعات حج و زیارت، دوره ۹، ش ۳، ص ۸۵-۱۰۰.
۲۴. علی‌زاده، علی‌اکبر (۱۴۰۱)، توافق ۲۰۲۳ و تحول در روابط ایران و عربستان، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۵. کریمی، احمد (۱۴۰۱)، «تعاملات بین‌مذهبی حجاج ایرانی»، پژوهشنامه دیپلماسی فرهنگی، دوره ۷، ش ۱، ص ۱۱۰-۱۲۵.
۲۶. کریمی، لیلا (۱۴۰۱)، «رقابت ایران و عربستان در حج»، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، دوره ۸، ش ۲، ص ۱۱۰-۱۲۵.
۲۷. ـــــــــــ (۱۴۰۱)، «مانع‌شناسی دیپلماسی حج ایران»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، دوره ۱۰، ش ۳، ص ۱۲۰-۱۳۵.
۲۸. گزارش سازمان حج و زیارت (۱۴۰۱)، ارزیابی شاخص‌های خدمت‌رسانی به حجاج، تهران: سازمان حج و زیارت.
۲۹. گزارش مرکز پژوهشی حج (۱۴۰۱)، ارزیابی نقش ایران در گفتمان درون‌اسلامی، تهران: مرکز پژوهشی حج و زیارت.
۳۰. گزارش مرکز پژوهشی حج (۱۴۰۲)، نظرسنجی از حجاج غیرایرانی درباره گفتمان وحدت اسلامی، تهران: مرکز پژوهشی حج و زیارت.
۳۱. گزارش مرکز مطالعات استراتژیک (۱۴۰۱)، بررسی دیدارهای دیپلماتیک در حج، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک.
۳۲. گزارش مرکز مطالعات بین‌الادیانی (۱۴۰۲)، ارزیابی پیام دیپلماسی حج ایران، تهران: مرکز مطالعات بین‌الادیانی.
۳۳. گزارش مؤسسه مشعر (۱۴۰۱)، هنجارسازی در حج، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر.
۳۴. ماندا ویل، پیتر (۱۳۹۸)، دیپلماسی دینی و روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ترابی،

تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۵. محمدی، فاطمه (۱۳۹۹)، سفیران فرهنگی: نقش حجاج در دیپلماسی عمومی ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۳۶. منشی، مرتضی (۱۳۹۹)، تکثر گفتمان در جهان اسلام، تهران: انتشارات اطلاعات.
۳۷. موسوی، سعید (۱۴۰۲)، «مثلث ارزشی در دیپلماسی حج ایران»، فصلنامه روابط بین‌الملل، دوره ۱۸، ش ۱، ص ۹۵-۱۱۰.
۳۸. نای، جوزف (۱۳۸۹)، قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست جهانی، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۳۹. ـــــــــــ (۱۳۹۰)، قدرت در عصر اطلاعات، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۰. ـــــــــــ (۱۳۹۲)، آینده قدرت، ترجمه سید رضا صالحی امیری، تهران: نشر قومس.
۴۱. نجفی، محمدرضا (۱۴۰۰)، «گفتمان مقاومت در دیپلماسی حج ایران»، پژوهشنامه دیپلماسی فرهنگی، دوره ۷، ش ۴، ص ۱۱۰-۱۲۵.
۴۲. نوری، علی (۱۴۰۲)، دیپلماسی فرهنگی ایران در عربستان پس از ۲۰۲۳، تهران: مرکز مطالعات عربستان.